

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من ميباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم وير زنده یک تن ميباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید غزل - ویرجینیا

بیست و پنجم می 2013

رُموز هستی

من در وجود بی منتهای تو غرق هستم؛ ای هستی جاویدان!

ای حاکم کل!

چنان غرقم تا مگر رموز هستی خویش را از موهومی به آگاهی کشم، هر چند پوئیدن و خواستن و آرزومندیم بسوی زوال است و روشنائی وجود تو چراغ عالم نمای فناء ناپذیر. گاهی خسته و دلگیر از زندگانی و سرگردانیهای آن وجود ناتوانم را زیر بار هزاران درد بهبود ناپذیر مییابم و چنان با مستی و حشمتبار امواج درد و غم در گیر میمانم، که مجال رهائی را نمییابم.

زمانی که با پذیرش حرف تلخ شکست ذهنم را در دام موریانه نیستی رها میسازم و لحظه های خوب زندگانیم لگدمال اندیشه های تلخ بیکسی میگردد، بار دگر به حکمت هستی و وحدانیت تو می اندیشم؛ ای خالق!

مرا مجال اندیشیدن ببخش!

در تار عنکبوت زمان آویخته ام و هر آن در قعر دره تاریک مرگ، وحشت افتیدم است و اما به دنیای شوریده حالم چنان وابسته هستم که فقط از رحمت لایزال تو طمع امید دارم.

ای هستی جاویدان!

میان رود زمان که هر آن هزاران تن رونده بی برگشت هستند برای رمز وجود و هستیت هنوز در تکاپو استم. تو کاملی و من ادامه شبهای خالی از ماه و ستاره.

مرا یاری برسان ای حقنگر! در پوست خشکیده ذهنم مرز رخشنده قناعت را رقم بزن تا در خلقت خود تکاپوی نابجا و در حکمت و رحمت و هستی تو گمان ناروا، ننمایم. ای خدای بی نیاز! این بنده نیازمند را از حد خواستنی خود مجال پیشروی مده، بر حکمت خلقتت آگاه و توانمند هستی، از ادای شکر و سپاس زبانم را عاجز مگردان .

(ناهید "غزل" غنی زاده - 13 آگست 2012)